

علی بغیری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۲۷

چکیده

این مقاله نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی و بانکی ایران چگونه توان ایران برای حفظ محیط زیست خلیج فارس را کاهش می‌دهد و همچنین چگونه می‌تواند با افزایش احساس تهدید، منطقه را به سمت رقابت تسلیحاتی سوق دهد. به علاوه، امنیتی شدن خلیج فارس، بسته شدن تنگه هرمز و وقوع جنگ، احتمالاتی است که محیط زیست خلیج فارس را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مقاله با بررسی روند فعلی و موارد مشابه، تأثیرات تداوم رفتار خصومت‌آمیز با ایران بر محیط زیست خلیج فارس را بررسی می‌کند. این نوشتار نشان می‌دهد که تحریم‌های مستقیم بانکی و اقتصادی ایران، تحریم غیرمستقیم زیست‌محیطی را پدید خواهد آورد و ادامه این روند، آینده‌ای فاجعه‌آمیز را برای اکوسیستم منحصربه‌فرد و پر از نفت خلیج فارس به همراه خواهد آورد و دود ناشی از این فاجعه نه تنها ایران و کشورهای ساحلی خلیج فارس، بلکه به سرعت کل محیط زیست بین‌المللی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

کلیدواژه‌گان: تحریم، ایران، خلیج فارس، محیط زیست، جنگ

مقدمه

با گذر زمان تحریم به بارزترین شیوه اعمال فشار مبدل شده است (Escribà-Folch, 2010, 129). با رشد ارتباطات و جهانی شدن اقتصاد، راهبرد جنگ جای خود را به شکلی روزافزون به دیپلماسی تحریم داده است. تحریم‌ها چند مرحله‌ای هستند و اقدام نظامی معمولاً پس از اتمام کلیه مراحل تحریم صورت می‌گیرد. تحریم‌ها انواع و اقسام مختلف دارند که می‌توانند توأم با یکدیگر یا به صورت مجزا اعمال شوند. همچنین، تحریم سیاستی است تدریجی و سعی بر آن دارد تا همواره گریزگاهی را برای کشور هدف قرار دهد. این موضوع مقتضای کارآمدی تحریم است؛ چراکه ممکن است در مراحل اولیه تحریم، کشور هدف رفتار سیاسی خود را تغییر دهد. در این صورت، هم تحریم‌کننده و هم تحریم‌شونده هزینه‌های کمتری متحمل می‌شوند و هم حل و فصل اختلاف مسالمت‌آمیزتر صورت می‌گیرد و کدورت سیاسی دو طرف از یکدیگر اوج نمی‌گیرد. تشدید تحریم نه تنها می‌تواند تحریم‌کننده را از هدف خود دور کند، بلکه وضعیت خود و دیگران را نیز بدتر سازد. در بسیاری از موارد همچون مورد عراق زمان صدام و لیبی زمان قذافی، آثار جانبی و منفی تحریم، هدف اصلی را تحت‌الشعاع قرار داده و در نهایت راهبرد جنگ جای دیپلماسی تحریم را گرفته است و به تبع، جنگ آثار جانبی منفی دیگری همراه دارد.

تحریم با آثار مختلفی همراه است. کاهش روابط سیاسی، فرهنگی، فناوری و اقتصادی سرفصل‌های این آثار است. تحریم‌کننده سعی بر آن دارد با افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی، یا رفتار نخبگان سیاسی را تغییر دهد و یا اقشار مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را به مخالفت با نخبگان سیاسی تشجیع سازد. تحریم، در درجه اول اقتصاد اقشار پایین دست و سپس با گذر از سایر اقشار، اقتصاد دولت و حتی نخبگان سیاسی را تحت فشار قرار می‌دهد. همچنین با افزایش نارضایتی عمومی، عصبانیت اجتماعی را افزایش داده و حتی اگر تحریم فرهنگی نیز صورت نگرفته باشد، بر فرهنگ جامعه هدف به صورت غیرمستقیم فشار وارد می‌سازد. بنابراین، ممکن است برخی از انواع تحریم در فهرست تحریم‌ها وارد نشوند، ولی با توجه به ارتباط میان حوزه‌ها و بخش‌های مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی به سایر انواع تسری یابند (Bulletin of the Atomic Scientists, ۱۱۸).

(Nov 1993) به عنوان مثال، گرچه عراق دوران صدام حسین در تحریم غذا و دارو به سر نمی برد، اما تحریم های شدید اقتصادی، بحران های غذایی و بهداشتی را پدید آورد. همچنین، گرچه در حال حاضر ایران تحت تحریم های دارویی قرار ندارد، ولی تحریم های بانکی سبب شده است در این خصوص، هنگام انتقال ارز به فروشندگان با مشکل مواجه شود و برای انتقال وجه، وجود واسطه های دیگری ضروری گردد و به همین دلیل حتی اگر دارو به میزان کافی نیز خریداری شود، فرآیند خرید آن طولانی شده و حداقل در کوتاه مدت بحران دارو ایجاد می شود. این موضوع به ویژه برای داروهای کمیاب و داروهای بیماری های خاص ملموس است (Borger & Dehghan, 2013) حتی اگر تحریم بانکی صورت نپذیرد و تنها تحریم اقتصادی بر یک کشور تحمیل گردد، کاهش ارز خرید دارو را با مشکل مواجه می سازد.

در مورد ایران، با ترکیبی از تحریم های شدید و پیشرفته مواجه هستیم؛ تحریم بانکی، نفتی، حمل و نقل و ... نه تنها موضوعات مستقیم خود، بلکه موضوعات دیگری را تحت تاثیر قرار داده است که در فهرست تحریم ها قرار ندارند و ما آنها را «تحریم های غیرمستقیم»^۱ می دانیم. خلیج فارس، یکی از اکوسیستم های مهم جهانی است که بخش اعظم آن در دایره قلمرو ایران قرار دارد. تحریم اقتصادی و بانکی ایران می تواند با آثار بسیار منفی بر اکوسیستم این منطقه همراه گردد که همگان را دربر گیرد. دود ناشی از این آثار منفی در ابتدا کشورهای منطقه و سپس تمام کشورها را دربر خواهد گرفت؛ چرا که آثار منفی تخریب زیست محیطی منحصر به کشور دارنده آن محیط زیست نیست و ممکن است به آب های بین المللی و اتمسفر نیز تسری یابد. در این مقاله سعی بر آن داریم تا نشان دهیم چگونه تحریم های مستقیم بانکی و اقتصادی ایران به تحریم غیرمستقیم محیط زیست خلیج فارس تسری می یابد و در نهایت، دود ناشی از آن دامن همه کشورها را دربر خواهد گرفت. به علاوه، آثار این تحریم ها بر محیط زیست خلیج فارس فهرست می گردد.

1. Indirect Sanctions

یک. تحریم‌های غیرمستقیم

تحریم با آثار بسیار منفی بر جهان سوم همراه است. بنا به برآورد مؤسسه اقتصاد بین‌الملل^۱ آمریکا برای تحریم رژیم صدام سالانه ۱۹ میلیارد دلار هزینه می‌کرد، اما در نهایت تغییر رژیم صورت نپذیرفت. بنابراین، تحریم‌ها معمولاً قبل از آنکه نخبگان سیاسی را تحت فشار قرار دهند، مردم را با چالش مواجه می‌سازند. به همین دلیل برخی معتقدند که تحریم هرگز رفتار دولت‌ها را تغییر نمی‌دهد و در واقع، تحریم به معنای تحریم ملت است نه دولت. (Zinn & Armove, 2004, 582) این تحریم‌ها انحصارگرایان اقتصادی را تقویت می‌کنند و آنها در کوتاه‌مدت می‌توانند بهتر از گذشته به سود اقتصادی واصل گردند؛ زیرا تنها کالا یا خدمات آنها در بازار موجود است و از این‌رو به راحتی می‌توانند محصولات خود را با قیمت دلخواه به مردم تحمیل کنند. مردم نیز تنها یک انتخاب دارند و آن عبارت است از خرید آن کالا یا خدمات. از همین‌رو، تحریم هند توسط آمریکا، شرایط را برای مبدل شدن بخش عمدتاً دولتی مخابرات به انحصار فراهم آورد. (U.S. International Trade Commission, September 1999, 3-13) در آن زمان اقتصاد هند وابستگی اندکی به کمک‌های بین‌المللی داشت. دولت هند تخمین زده بود که تحریم‌های ۱۹۹۸ ایالات متحده تنها ۱/۵ میلیارد دلار به اقتصاد آن ضربه وارد خواهد ساخت که برابر است با ۰/۴ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور و از این‌رو تحریم به جای دولت، بر مردم فشار وارد ساخت. (U.S. International Trade Commission, September 1999: 4-1)

همچنین تحریم با افزایش فشارهای اقتصادی بر مردم به کوچک شدن قشر متوسط کمک می‌کند. حال آنکه طبقه متوسط لازمه حفظ تعادل در جامعه و گذار به دموکراسی است (Glassman, 1995, 378). در نتیجه، تحریم با افزایش فقر در جامعه سبب می‌شود مردم تنها به فکر کسب حداقل‌های زندگی خود باشند و اندیشه‌های آرمانی آزادی و دموکراسی را از یاد ببرند، بیش از پیش به دولت وابسته شوند و حاضر شوند در عوض افزایش کنترل دولت بر خود، کالاهای اساسی آنها تهیه شود. تحریم‌های عراق و کوبا این اثر تحریم را نشان داد. تحریم عراق رژیم صدام را

1. Institute of International Economics

از دو میلیارد دلار محروم ساخت. اما بخش اصلی درآمد دولت عراق به نفت وابسته بود و سازمان ملل قادر به کنترل ۱۲ میلیارد دلار حاصل از درآمد نفت نبود. لذا بیشترین فشار بر مردم تحمیل شد و آنها را به درآمدهای رانتیر وابسته‌تر ساخت، این وابستگی تقاضای دموکراتیک را از بین برد. (Great Britain: Parliament: ..., 2006-7, 2)

مورد هدف را از تعامل مسالمت‌آمیز و عاقلانه خارج سازند و دولتمردان را به سمتی سوق دهند تا گمان کنند حال که در حال نابودی هستند، چرا کمربند انفجاری را نکنند و حریف را نیز نابود سازند. لذا این تحریم‌ها ممکن است تفکر «شهر سوخته» را در ذهن دولت مورد هدف قرار دهند و بدین ترتیب، نه تنها اهداف تحریم‌کننده محقق نشود، بلکه شرایط از قبل نیز وخیم‌تر گردد. اثرات نامطلوب تحریم‌ها بر جامعه و ریسک بالای آنها سبب می‌شود تا جای امکان تحریم شدت نیابد. برخی راه‌کار را در آن می‌دانند که تا حد امکان از تحریم‌های هوشمند یا هدفمند بهره برده شود و توجیهشان آن است که این تحریم‌ها دارای خاصیت بازدارندگی هستند و در آنها به صورت بسیار دقیق موارد و موضوعات تحریم مشخص شده‌اند. بنابراین، این تحریم‌ها در عین آنکه باید مانع از بروز آثار جانبی شوند و منازعه نظامی ایجاد نکنند، به اهداف سیاسی تحریم نیز باید دست یابند. (Cortright & López, 2002, vii)

افزایش فشار بر تصمیم‌گیرندگان سیاسی در عین کاهش آثار منفی بر مردم، هدف اصلی این نوع تحریم است. بدین ترتیب باید فشار بر افراد و شرکت‌هایی زیاد شود که عامل سیاست‌های اشتباه از منظر قدرت تحریم‌کننده هستند. (Cortright & López, 2002, 2)

با این حال، تقسیم‌بندی انواع تحریم به هوشمند و غیرهوشمند با انتقاد همراه بوده است. تحریم عراق، هائیتی، سیرالئون و آنگولا نتوانست اهداف مورد نظر را محقق سازد، لذا حتی تحریم هوشمند نیز اثربخش نبود. (Cortright & López, 2002, 2)

هر دو نوع تحریم به موضوعاتی غیر از دولت مورد هدف فشار وارد می‌کنند و تحریم هوشمند تنها در صورتی اقتصاد مردم و جامعه را تخریب نخواهد کرد که افراد خاص را هدف قرار دهد یا تحریم نظامی صورت گیرد. بنابراین تحریم‌های هوشمند اقتصادی به تدریج دامن جامعه را نیز خواهند گرفت و لذا دیگر هوشمند نیستند. از همین رو، قطعنامه ۱۴۰۹ ملل متحد گرچه به گمان خود تحمیل

تحریم‌های هوشمند بر رژیم بعث عراق بود، اما به تدریج مشخص شد حقوق بشر قربانی اصلی آن بوده است. (Arnove, 2003, 91)

لذا با توجه به مطالب فوق، در اینجا تحریم‌ها را به صورتی دیگر تقسیم‌بندی می‌کنیم: یک تحریم‌های مستقیم؛ که می‌توانند جامع یا هوشمند باشند؛ و دو) تحریم‌های غیرمستقیم. تحریم‌های مستقیم آن دسته از تحریم‌ها هستند که در فهرست عناوین تحریم عنوان شده‌اند؛ به‌عنوان مثال در تحریم‌های اقتصادی نام شرکت‌های مشخصی قرار گیرد؛ یا تحریم اقتصادی یک موضوع، به‌عنوان مثال مبادلات ارزی، را به طور کامل در بر گیرد و یا حتی کلیه تعاملات سیاسی، اقتصادی، علمی و فناوریانه کشور هدف در رابطه با کشور تحریم‌کننده یا سایر کشورها از ناحیه تحریم‌کننده تحت فشار قرار می‌گیرد و هدف آن است که با قطع کامل این مراودات رفتار کشور هدف تغییر کند. با این حال، تحریم‌های غیرمستقیم تحریم‌هایی هستند که در فهرست تحریم قرار ندارد. موضوعاتی هستند که ذاتاً نمی‌توانند در فهرست تحریم‌های هوشمند یا جامع قرار گیرند، مثل محیط زیست و مسائل حقوق بشری. به عبارت دیگر، کشور تحریم‌کننده نمی‌تواند از طریق تحریم محیط زیست و یا مردم، رفتار نخبگان سیاسی کشور هدف را تغییر دهد. به علاوه، تحریم محیط زیست، با آثار منفی همراه است که سایر کشورها و حتی همه بازیگران عرصه بین‌الملل را متأثر می‌سازد. این موضوعات به دو دلیل عمده نمی‌توانند در فهرست تحریم‌ها قرار گیرند و حتی تحریم‌کننده نیز در تلاش است برای وصول به اهداف خود آثار منفی بر این موضوعات را کاهش دهد: یک) هدف از تحریم تغییر رفتار نخبگان سیاسی است نه مردم؛ و دو) تسری آثار تحریم بر این موضوعات مشروعیت عمل کشور تحریم‌کننده را زیر سؤال می‌برد. گزارش ۱۹۹۸ یونیسف نشان داد که به غیر از مردم کشته شده در نتیجه حملات هوایی آمریکا، تحریم‌های آمریکا بر عراق به طور متوسط روزانه جان ۲۵۰ شهروند این کشور را گرفته است که از این تعداد ۱۵۰ نفر زن و کودک بوده‌اند. این به شدت کارآمدی تحریم‌ها را زیر سؤال می‌برد. (Zinn & Arnove, 2004, 582) لذا، حتی در صورتی که تحریم‌ها به صورت غیرمستقیم مردم را تحت فشار قرار دهد، دولت تحریم‌کننده مورد سؤال قرار می‌گیرد و سعی دارد وانمود کند که هدف تحریم دولت مقابل است نه مردم، اما واقعیت آن است که سعی دارد با

ایجاد شکاف میان مردم و نخبگان سیاسی، از اعتراضات مردمی به عنوان ابزاری برای تغییر رفتار سیاسی نخبگان سیاسی بهره برد.

بنابراین در تحریم‌های غیرمستقیم، کشور مورد تحریم واقع شده می‌تواند ارتباطات خود با سایر کشورها را در حوزه‌هایی حفظ کند که در فهرست تحریم جای ندارند. به عنوان مثال، غذا و دارو در فهرست تحریم‌های ایران قرار ندارند و همه کشورها و شرکت‌های بین‌المللی می‌توانند در این حوزه‌ها با ایران دادوستد نمایند. با این حال، قرار گرفتن موضوعاتی بنیادی در فهرست تحریم‌های هوشمند، موضوعات غیرتحریم شده را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهند و به عنوان مثال، مبادله دارو و غذا را برای مردم کشور تحریم‌شونده با مشکل مواجه می‌سازند.

تفاوت دیگر تحریم‌های مستقیم و غیرمستقیم در آن است که تحریم‌های مستقیم، همه بازیگرانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد که در ارتباط با تحریم‌شونده قرار دارند. تحریم‌کننده، تحریم‌شونده و سایر کشورهای تعامل‌کننده با تحریم‌شونده از منافع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و فناوریانه ارتباط با تحریم‌شونده محروم می‌شوند. اما گستره تحریم‌های غیرمستقیم به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک) تحریم‌های غیرمستقیمی که گستره اثرگذاری آنها حداکثر برابر است با گستره اثرگذاری تحریم‌های مستقیم. لذا در اینجا نیز تحریم‌کننده، تحریم‌شونده و سایر کشورهای تعامل‌کننده با تحریم‌شونده از منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و فناوریانه ارتباط با تحریم‌شونده محروم می‌شوند. تحریم دارو و غذا دو نمونه از این نوع تحریم‌های غیرمستقیم است که شرکت‌های خارجی و بین‌المللی غذا و دارو را نیز با مشکل مواجه می‌سازد. دو) تحریم‌هایی که تمام بازیگران عرصه بین‌الملل را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، گستره اثرگذاری این تحریم‌ها به کشور تحریم‌کننده، تحریم‌شونده و سایر کشورهایی محدود نخواهد شد که با تحریم‌شونده در ارتباط هستند، بلکه آثار مخرب این تحریم‌های غیرمستقیم جهانی است.

محیط زیست و تغییرات جوی تحریم‌های غیرمستقیمی هستند که گستره آثار مخرب آنها جهانی است. به عبارت دیگر، محیط زیست و جو هیچ‌گاه در دایره تحریم‌های مستقیم قرار نمی‌گیرند؛ چرا که تحریم محیط زیستی معنی ندارد و دود ناشی از تخریب محیط زیست کشور تحریم‌شونده، دامن تحریم‌کننده و همه کشورهای دیگر را نیز در بر می‌گیرد. تحریم‌های مستقیم

اقتصادی، بانکی و مالی می‌تواند بر محیط زیست کشور تحریم‌شونده نیز اثرگذار باشد و در اینجاست که خطر آثار منفی تحریم جهانی می‌شود. بنابراین تحریم محیط زیست، تحریمی غیرمستقیم است که حتی تحریم‌کننده نیز با آن موافق نیست، اما تشدید تحریم‌های مستقیم یا ورود برخی موضوعات اساسی در فهرست تحریم‌های هوشمند، محیط زیست را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد و دامن همگان را فرا می‌گیرد. (Bilderbeek, 1992, 23)

دو. محیط زیست خلیج فارس

خلیج فارس آبراهی است در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه‌جزیره عربستان که پس از خلیج مکزیک و خلیج هادسون، سومین خلیج بزرگ جهان به‌شمار می‌آید. با این حال تقریباً محصور است. این موضوع ویژگی‌های اکولوژیک خاصی را به آن داده است. عرض اندک، عمق کم، شوری زیاد آب در کنار حجم بالای فعالیت‌های اقتصادی همچون ماهی‌گیری و استخراج نفت، و ترافیک بالای دریایی اهمیت آن را بالا می‌برد و از طرف دیگر، از آسیب‌پذیری بالای محیط زیست آن خبر می‌دهد. (Mojtahed Zadeh, 2003, 112) خلیج فارس زیستگاه بیش از ۵۰۰ نوع ماهی دریایی است که از کوسه‌های بزرگ تا اسب دریایی کوچک در آن زیست می‌کنند. (<http://www.arkive.org/uae/en/fish>) بیشتر آبزیان خلیج فارس به‌جز چند مورد که وارد آب‌های کارون، بهمن‌شیر و اروند می‌شوند، مابقی در آب‌های شور زندگی کرده و در همان‌جا تخم‌ریزی و تولید مثل می‌کنند.

خلیج فارس یکی از بزرگ‌ترین پناهگاه‌های موجودات دریایی مانند مرجان‌ها، ماهی‌های تزئینی کوچک، ماهی‌های خوراکی و غیرخوراکی، صدف‌ها، حلزون‌ها، نرم‌تنان، شقایق‌های دریایی، اسفنج‌های دریایی، عروس‌های دریایی، لاکپشت‌ها، دلفین‌ها و کوسه‌ماهی‌ها می‌باشد. جنگل‌های حرا یکی دیگر از ویژگی‌های محیط زیست خلیج فارس است. این جنگل‌ها تنها جنگل‌های آب شور دریا هستند که به دلیل جذر و مد، شب‌ها زیر آب بوده و روزها سر از آب بیرون می‌آورند. این جنگل‌ها دارای انواع خاصی درخت است که ریشه آنها آب شور را شیرین کرده و درخت را آبرسانی می‌کند.

با این حال، در دهه‌های گذشته آلودگی زیست محیطی یکی از چالش‌های مهم در این پهنه آبی بوده است. از آن جایی که ۶۰ درصد از ذخایر نفت جهان در خلیج فارس قرار دارد، احداث سکوهای نفتی، مجتمع‌ها و پالایشگاه‌ها در اطراف خلیج فارس و ورود نفت، مواد شیمیایی و پساب‌ها به داخل آب از عوامل مهم این آلودگی می‌باشند. حجم بالایی از فاضلاب و نفت نفت‌کش‌های عبورکننده از خلیج فارس به دریا وارد می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند که به‌طور متوسط سهم آلودگی نفتی ناشی از حمل‌ونقل نفت‌کش‌ها در کل دریاها برابر است با ۱۵/۴ و سهم ناشی از آلودگی ناشی از عملیات استخراج نفت برابر است با ۴/۴ درصد اما در مورد خلیج فارس، نفت‌کش‌ها ۵۷/۱ و عملیات استخراج نفت ۲۲/۴ درصد از این میزان را شامل می‌شوند (Razavi, 1997, 10). همچنین، در حالی که خلیج فارس تنها ۰/۰۶۶ درصد از آب‌های جهان را شامل می‌شود، ۳/۱ درصد از آلودگی دریایی جهان را از آن خود ساخته و این یعنی ۴۷ برابر متوسط آلودگی آب‌های دریایی جهان. به همین علت، خلیج فارس از طرف «برنامه محیط زیست ملل متحد» به عنوان «منطقه مراقبت» علامت‌گذاری شده که اتخاذ تمهیدات ویژه را ضروری می‌سازد (Razavi, 1997, 10). به‌رغم معاهدات زیست‌محیطی متعدد منعقد شده بین کشورهای ساحلی خلیج فارس، اختلافات سیاسی، حضور کشتی‌های نظامی و وقوع دو جنگ بزرگ، آلودگی آن را افزایش داده است. در طی جنگ عراق و کویت حداقل شش میلیون بشکه نفت خام به خلیج فارس وارد شد و دود ناشی از سوختن حداقل ۵۰۰ میلیون بشکه نفت خام، آن را به آلوده‌ترین محیط زیست تاریخ جهان مبدل ساخت (Razavi, 1997, 10). وجود ۱۰ میلیون تن آلاینده جنگی و فاضلاب، ۷۰ سکو از ۱۶۰ سکوی نفتی دنیا، عبور سالانه ۴۰ هزار شناور از خلیج فارس، از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده محیط زیست خلیج فارس هستند (روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۷/۴/۱۰، ۱۷). علاوه بر آلودگی، فقدان وجود کارشناس، بالا بودن هزینه‌های پژوهشی و فقدان دانش کافی در حوزه محیط زیست گونه‌های مختلف جانوری پستاندار در خلیج فارس را در معرض خطر و آسیب قرار می‌دهد. تخریب محیط زیست خلیج فارس در ابتدا کشورهای جنوب آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این کشورها بخش زیادی از آب کشاورزی و حتی آشامیدنی خود را از تصفیه و شیرین ساختن آب خلیج فارس به‌دست می‌آورند. به علاوه، با توجه به آنکه عمق خلیج فارس در

جنوب آن کمتر است، آلودگی‌های مختلف به این قسمت‌های کم‌عمق راهی می‌شوند. همچنین، توفان‌های شنی پدیده‌هایی هستند که در سال‌های اخیر به چالشی برای مناطق بسیار دورتر مبدل شده‌اند. این توفان‌ها عمدتاً از بیابان‌های اطراف خلیج فارس منشأ می‌گیرند و در صورت آلودگی محیط زیست اطراف آن، به‌عنوان مثال آلودگی اتمی یا نفتی، مناطق دوردستی همچون تهران و افغانستان هم از ذرات غبارآلوده و هم از بادهای عمدتاً گرمسیری رنج خواهند برد. این جریان‌ها با عبور از سطح آب آلوده خلیج فارس، رطوبت و آلودگی را تا کیلومترها دورتر حمل می‌کنند. همچنین، با توجه به ارتباط میان خلیج فارس و آب‌های آزاد و با توجه به حجم بالای نفت و حضور کشتی‌های نظامی و غیرنظامی، آلودگی‌های نفتی، هسته‌ای یا آلودگی‌های ناشی از تسلیحات نظامی و یا صنعتی می‌تواند به سایر آب‌های جهان نیز تسری یابد و محیط زیست بین‌المللی را در معرض خطر قرار دهد.

سه. تحریم‌های (هوشمند) ایران

جمهوری اسلامی ایران کشوری است که شدیدترین تحریم‌ها را تجربه کرده است. این تحریم‌ها یکی از طولانی‌ترین تحریم‌های تاریخ است که ایران از همان آغاز تاسیس جمهوری اسلامی متحمل شده است. این تحریم‌ها در ابتدا به صورت یک‌جانبه از طرف ایالات متحده صورت گرفت، ولی با توجه به جایگاه این کشور در عرصه قدرت بین‌المللی سایر کشورها نیز به تدریج با او همراه شده و اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی نیز به تحریم‌های مشابهی اقدام ورزیده‌اند. تنها در دوره‌ای کوتاه در نیمه دوم ریاست جمهوری کلینتون از شدت تحریم‌ها کاسته شد، (Fayazmanesh, 2003, 233) اما با تشدید حساسیت بر پرونده اتمی ایران، این تحریم‌ها تشدید یافته‌اند. تحریم‌های ایران، تحریم‌هایی از نوع مستقیم و هوشمند هستند. لذا ایالات متحده در تلاش است در مسیر ایجاد شکاف بین مردم و دولت، اثرات منفی تحریم به‌ویژه بر مردم را کاهش دهد. با این حال، با مرور زمان دامنه تحریم‌ها افزایش یافته است؛ به‌ویژه تحریم‌ها بر موضوعاتی بنیادی مثل بانک مرکزی و نفت وارد شد. تحریم‌های مستقیم عملاً آثار منفی را همراه آورده، بدین ترتیب به مرور زمان تحریم‌های غیرمستقیم ایران به شدت افزایش یافته است. در این تحریم‌های غیرمستقیم اقتصاد مردم، دارو و - حتی به مرور

زمان - غذا تحت پوشش قرار گرفته است. با این حال تخریب محیط زیست، به ویژه محیط زیست خلیج فارس، یکی دیگر از آثار تحریم های غیرمستقیم است که برخلاف تحریم های غیرمستقیم دیگر، مثل دارو و غذا، به سرعت می تواند سایر کشورها را نیز تحت تاثیر قرار دهد و به فاجعه ای زیست محیطی بین المللی مبدل شود.

چهار. چگونگی تاثیر تحریم بر محیط زیست خلیج فارس

تحریم ها به سه صورت محیط زیست خلیج فارس را تهدید می کنند:

الف. تخریب اقتصاد ایران: تحریم های نفتی، تحریم حمل و نقل دریایی و تحریم مبادلات ارزی سه عنوان مهم تحریم های اقتصادی ایران هستند که دو نتیجه منفی بر محیط زیست خلیج فارس وارد می سازند:

یک. عدم به روز شدن فناوری: (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ۳۳) عدم به روز شدن تاسیسات حمل و نقل دریایی ایران به ویژه در مورد نفت کش ها، فرسودگی تاسیسات و سکوها، استخراج، پالایش و پتروشیمی نفت ایران در حاشیه خلیج فارس یا در درون آب، عدم استفاده از فناوری های جدید که با استانداردهای زیست محیطی نوین انطباق بیشتری داشته باشند در نیروگاه های اتمی بوشهر و سایر نیروگاه ها و کارخانجات ایران در حاشیه خلیج فارس، از عواملی است که احتمال نشت آلاینده ها را افزایش می دهد.

دو. واردات فناوری نه چندان استاندارد: تحریم ها سبب می شود کشور تحریم شونده در زمینه واردات فناوری های جدید با مشکل مواجه شود. به عنوان مثال، تحریم لیبی صنعت هواپیمایی این کشور را به شدت تخریب کرد. (Lebovic, 2007, 66) تحریم بانکی تبادل ارز و تحریم حمل و نقل دریایی تبادل کالا را با مشکل مواجه می سازد. بدین ترتیب کشور تحریم شونده مجبور است با چندین واسطه به فناوری های لازم برای تاسیسات دست یابد و در این معامله چانه زنی از آن کشور فروشنده است؛ زیرا با واقف بودن بر نیاز کشور تحریم شده به کالا می تواند کالای نه چندان مرغوب خود را با قیمتی گزاف به فروش برساند و حتی ممکن است اجناس دسته دوم و فرسوده خود را به ایران بفروشند.

از طرف دیگر، در حال حاضر فناوری استاندارد از آن کشورهایی است که با ایالات متحده نزدیک هستند. به جز روسیه، سایر اعضای گروه جی هشت – متشکل از هشت کشور بزرگ صنعتی دنیا – با ایالات متحده روابط نزدیکی دارند. با این حال، این کشورها اغلب در سیاست خارجی از مواضع ایالات متحده پیروی می‌کنند و در تحریم ایران نیز استثنا وجود ندارد. به علاوه، هرچند ایران و روسیه در زمینه‌های مختلف از جمله در حوزه انرژی با یکدیگر تعاملات مختلفی داشته و برنامه‌هایی نیز برای توسعه همکاری‌ها در این زمینه تدوین کرده‌اند، اما رای مثبت مسکو به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه تهران از یک سو و فشارهای بی‌وقفه آمریکا بر شرکت‌های روسی از سوی دیگر، آینده این همکاری‌ها را با ابهام مواجه کرده است. بنابراین، ایران ناچار است به کشورهای رجوع کند که از فناوری بسیار پایین‌تری بهره می‌برند و بدین ترتیب کشورهای مثل چین و هند به بزرگ‌ترین واردکنندگان دستگاه‌های لازم برای تأسیسات مختلف مبدل شوند. حال آنکه، این فناوری‌های وارداتی از استانداردهای مطلوب کشورهای صنعتی غرب برخوردار نیستند. از همین رو، هند از جانب سازمان‌های زیست‌محیطی تحت فشار قرار دارد تا تولیدات خود را با توجه به استانداردهای زیست‌محیطی به بازار روانه سازد. (Razavi, 2009, 352) همان‌طور که تشدید تحریم‌ها با تأثیر بر فرآیندهای تولید سوخت و ایجاد سوخت نامرغوب کلان‌شهرهای ایران را آلوده ساخته است، می‌تواند با انتشار آلودگی محیط زیست خلیج فارس را نیز تهدید نماید.

سه. افزایش قاچاق سوخت: تحریم مالی ایران، با کاهش میزان دلار در کشور، ارزش پول ملی را کاهش داده است. از طرف دیگر، اقتصاد ایران، سنتاً در زمره اقتصادهای دولتی قرار گرفته است. در این وضعیت دولت به نحوی با دخالت در بازار سعی داشته تا کالاهای عمومی و اساسی را با قیمت‌هایی پایین‌تر از قیمت واقعی خود در ایران در دسترس مردم قرار دهد. این شرایط برای سوخت‌های فسیلی دوچندان نمود می‌یابد؛ چراکه ایران از منابع عظیم انرژی‌های فسیلی بهره می‌برد. به علاوه، تحریم نفتی این کشور، صادرات نفت را کاهش می‌دهد. لذا بازار داخلی بیش از پیش مورد توجه تولیدکنندگان مواد و محصولات پتروشیمی قرار می‌گیرد. تحریم‌های مالی با کاهش ارزش پول ملی به افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم منتهی می‌شود. لذا دولت برای حفظ مقبولیت خود و در راستای کاهش فشار اقتصادی بر اقشار مختلف جامعه، تلاش

می‌کند تا سوخت را به قیمت پایین عرضه نماید از طرف دیگر، تحریم به بالا رفتن ارزش دلار منتهی شده است. جمع این دو عامل به افزایش گرایش برای قاچاق سوخت از ایران به کشورهای مجاور خلیج فارس می‌انجامد. کشتی‌ها و قایق‌ها و حتی لوله‌های عبور سوخت قاچاق از کیفیت مناسب برخوردار نیست و علاوه بر نشت سوخت، با افزایش تردد آنها، ورود فاضلاب و پساب‌های آنها نیز آلودگی آب خلیج فارس را تشدید می‌کند. خشک‌سالی، عدم وجود بسترهای مناسب اقتصادی برای اشتغال‌زایی در استان‌های جنوبی ایران نیز گرایش برای قاچاق سوخت را افزایش می‌دهند؛ چراکه قاچاق عملی است نسبتاً ساده که با سودآوری زیادی همراه است. (<http://www.mehrnews.com/detail/News/1790557>)

چهار. افزایش ورود فاضلاب به دریا: تشدید تحریم و وقوع جنگ به کاهش رشد توسعه در استان‌های هم‌جوار دریا منتهی می‌شود. این به معنای افزایش سازوکارهای سنتی در بهره‌برداری از آب و دفع فاضلاب می‌باشد. به‌عنوان مثال، تحریم‌های غزه سبب شده است این منطقه از توسعه لازم برای حفظ محیط زیست برخوردار نباشد و بخش وسیعی از فاضلاب شهری به دریا روانه شود و وقوع جنگ ۲۲ روزه نیز این روند را بدتر نمود. (نجفی اسفاد و جلالیان، ۱۳۹۱، ۲۰۸) وجود نفت در حاشیه شمالی خلیج فارس و اختصاص ساحل شمالی خلیج فارس به ایران باعث می‌شود که در صورت تحریم، تخریبی به مراتب بیشتر از مورد غزه در اثر کاهش روند توسعه محیط زیست دریا را تهدید نماید.

ب. رقابت تسلیحاتی: گرچه امور نظامی ایران نیز در فهرست تحریم‌ها قرار دارد، ولی از آنجا که تحریم‌های ایران همواره با تهدید همراه بوده است و آمریکا به صراحت اعلان می‌دارد که همه گزینه‌ها، حتی گزینه نظامی، در مورد ایران روی میز است، ایران نمی‌تواند نسبت به این تحریم‌ها و حتی مذاکره با ایالات متحده با نظر مثبت بنگرد. بعد از جنگ سرد، جنگ کویت اولین گام و حادثه ۱۱ سپتامبر دومین مرحله جهت توسعه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بود. در حال حاضر، گرچه نیروهای آمریکایی از عراق خارج شده‌اند، اما همچنان در افغانستان حضور دارند. به علاوه این کشور در خلیج فارس پایگاه‌های متعدد نظامی دارد. ترکیه و اسرائیل روابط راهبردی با یکدیگر دارند و روابط میان آذربایجان و اسرائیل نیز از ویژگی‌های راهبردی

برخوردار است. (Özcan, Laçiner & Bal, 2010, 326) همچنین، اسرائیل، با داشتن کلاهک‌های اتمی، به‌عنوان مهم‌ترین دشمن ایران، در خاورمیانه و در نزدیکی ایران به سر می‌برد. (Alam, 2011, 40) اسرائیل بیش از سایرین خواهان صورت گرفتن اقدام نظامی علیه ایران بوده است و برخلاف دیدگاه آمریکا، که صورت گرفتن این اقدام را عجولانه و در حال حاضر ناممکن می‌داند، معتقد است که در صورت عدم انجام این کار ایران به بمب اتم دست می‌یابد و از این‌رو به شدت از تهاجم نظامی به ایران حمایت می‌کند. نتانیاهو در کنفرانس سالانه مجمع عمومی در سال ۲۰۱۲ به شدت خواهان این بود که نشان دهد به زودی ایران به سلاح اتم دست خواهد یافت و تهدید آن فراگیر است و فرصت لازم برای جلوگیری از دستیابی ایران به این سلاح اندک است. حتی ترکیه نیز عضو ناتو است و در حال حاضر به بهانه مقابله با تهدیدهای سوریه، موشک‌های پاتریوت ناتو را در مرزهای خود مستقر ساخته است. از نظر بسیاری از تحلیل‌گران هدف اصلی این موشک‌ها دفاع از اسرائیل در صورت وقوع جنگ احتمالی با ایران است. بنابراین، در این شرایط غیرمنطقی است که ایران خود را برای وقوع تهاجمی احتمالی آماده نسازد. شرایط منطقه‌ای به نحوی است که ایران از ناحیه هیچ یک از همسایگان خود احساس امنیت نمی‌کند و خود را قربانی سیاست‌های توسعه‌طلبانه قدرت‌ها می‌داند (Alam, 2011, 41) و لذا طبیعی است که برای دفاع، خود را مهیا سازد. تلاش ایران برای دستیابی به ارتقای سیستم‌های موشکی، راداری و دریانوردی انتخاب عاقلانه‌ای در پاسخ به این شرایط تهدیدکننده است.

از طرف دیگر، وجود رقابت ایدئولوژیک میان ایران و عربستان و دعوای ایران و امارات در خصوص جزایر سه‌گانه، به ایجاد معمای امنیت منتهی می‌شود و تلاش ایران در جهت ارتقای سیستم دفاعی از ناحیه این دو کشور با دیده تردید مورد توجه قرار می‌گیرد. لذا آنها نمی‌توانند خوش‌بینانه به این موضوع نگاه کنند. انتخاب عقلایی آنها در بدبینانه دیدن فعالیت ایران است. از این‌رو با استناد به عدم امکان تمییز بین سیاست دفاعی و تهاجمی، فرض را بر این قرار می‌دهند که هدف ایران تقویت سیستم تهاجمی است. بدین ترتیب آنها نیز به افزایش توان نظامی خود دست می‌زنند.

رقابت میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نیز سبب می‌شود سایر آنها همچون کویت و

قطر هم نسبت به اقدامات نظامی عربستان و امارات همان پیش‌فرضی را لحاظ قرار دهند که عربستان و امارات در مورد ایران لحاظ داشته‌اند. لذا معمای امنیت پیچیده‌ای پدید می‌آید و در این معما اقدام دفاعی طرف دیگر به منزله اقدام تهاجمی نگریسته می‌شود (Messari, 2002, 421) و در نتیجه رقابت تسلیحاتی در حاشیه خلیج فارس پدید می‌آید.

وجود پول هنگفت ناشی از نفت، بر شدت رقابت تسلیحاتی می‌افزاید. این امر باعث می‌شود حاشیه خلیج فارس به یک انبار باروت مبدل شود که مملو است از پیشرفته‌ترین فناوری‌های تسلیحاتی. بنا به گزارش مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح در استکهلم، در ۲۰۱۲، عربستان به لحاظ هزینه‌های نظامی در رتبه هفتم و به لحاظ نسبت این هزینه‌ها به تولید ناخالص ملی در رتبه دوم و عمان در رتبه سوم جهان قرار گرفته‌اند. آزمایشات تسلیحاتی، مانورهای نظامی مشترک با سایر قدرت‌های جهانی تهدیدهای بالفعل و مبدل شدن خلیج فارس و حاشیه آن به انبار باروت، تهدید بالقوه‌ای است برای محیط زیست خلیج فارس. در جدول شماره یک میزان هزینه‌های نظامی برخی از کشورهای ساحلی خلیج فارس، رتبه آنها در جهان به لحاظ میزان هزینه و میزان هزینه نسبت به تولید ناخالص ملی در ۲۰۱۲ نشان داده می‌شود.

ج. تهدید بسته شدن تنگه هرمز: سومین مساله تحریم‌ها در واکنش احتمالی ایران قرار دارد. شرایط کنونی خلیج فارس و عدم وجود حامیان مناسب برای ایران در جنگ احتمالی، ایران را به سمت بازدارندگی سوق می‌دهد. در این شرایط ایران نمی‌تواند خطر کند و عاقلانه آن است که خود را برای وقوع هر اتفاقی آماده سازد. حتی طبیعی است با نگاه به عاقبت تحریم‌ها در مورد عراق، تحریم‌ها را به‌عنوان اقداماتی برای تضعیف قدرت دفاعی ایران قلمداد کند. در نتیجه، تحریم‌ها ممکن است مقدمه‌ای باشند در جهت حمله به ایران. در این شرایط ایران ناچار است تا جای امکان از بروز جنگ احتمالی نابرابرانه جلوگیری کند. بازدارندگی راهکاری است که در صورت شکست فعالیت‌های دیپلماتیک می‌تواند حداقل تاریخ جنگ را به تعویق اندازد. در زمان ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد اقدامات دیپلماتیک برای حل مساله هسته‌ای ایران ناموفق مانده و از این رو طبیعی بود که تنش افزایش یابد. در شرایط انسداد دیپلماتیک، تهدید ایران به بستن تنگه هرمز یکی از ابزارهای بازدارنده برای ایران است. (کریمی، ۱۳۹۱، ۲۱) تنگه هرمز

مهم‌ترین تنگه ژئواکونومیک جهان است که می‌توان آن را گلوگاه انرژی جهان نامید. در صورت بسته شدن این تنگه، بحران انرژی بسیاری از کشورهای جهان را دربر می‌گیرد و در پس آن بحران اقتصادی پدید می‌آید و این موضوع کارآمدی بازدارندگی ایران را افزایش می‌دهد.

در صورتی که بازدارندگی ایران با استفاده از تهدید به بستن تنگه هرمز موفق عمل کند و جنگ رخ ندهد، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت اثر مثبتی بر محیط زیست خلیج فارس خواهد گذاشت؛ چراکه سایر کشورها، از جمله عربستان را به تکاپو جهت انتقال انرژی از مسیرهای دیگر همچون دریای سرخ یا از طریق صحرا وادار می‌سازد. در حال حاضر عربستان از طریق دو خط لوله شرق - غرب و ترانس عربی، ۲۵ درصد از نفت خام خود را از مسیری به غیر از خلیج فارس حمل می‌کند. همچنین با تکمیل طرح‌های خطوط لوله کرکوک - جیحان، کرکوک - بانیاس، و عراق - عربستان حجم بالایی از صادرات نفتی عراق و تکمیل خط لوله حبشه - فجیره، ۶۸ درصد از صادرات نفتی امارات از مسیری به غیر از خلیج فارس و تنگه هرمز صورت خواهد گرفت. (خاجوی، ۱۳۹۱) بدین ترتیب، صرف تهدید به بسته شدن تنگه هرمز به کاهش تراکم کشتی‌های نفتی و حمل کالا و لوله‌های عبور نفت در خلیج فارس منجر شده و این خبری خوب است برای طرفداران حفظ محیط زیست خلیج فارس.

با این حال، تهدیدها نیز نتوانسته مانع از عبور حجم بالای تردد دریایی در خلیج فارس شوند و همچنان بیش از ۲۰ درصد از نفت بازار جهانی به عبور از این تنگه نیاز دارد. لذا، در صورت شکست بازدارندگی ایران و در نتیجه وقوع جنگ، در مرحله اول بر تعداد کشتی‌های جنگی و اتمی و استفاده از سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف در خلیج فارس افزوده می‌شود و این خود اثری منفی است بر محیط زیست خلیج فارس. انهدام نفتکش‌ها، سکوها و پایگاه‌های استخراج و انتقال انرژی، آلودگی نفتی دریا را افزایش خواهد داد. دود حاصل از این انفجارها، کل منطقه خلیج فارس را در بر خواهد گرفت و با کاهش اکسیژن در منطقه، بسیاری از جانوران و آبزیان در معرض نابودی قرار خواهند گرفت. دریا نیز به میدان مین مبدل خواهد شد و تله‌های انفجاری در آن مستقر می‌گردد. در صورت استفاده از سلاح‌های نامتعارف، آلودگی آب و خاک نه تنها تشدید خواهد شد، بلکه دوام و پایداری این آلودگی بسیار بیشتر است از آلودگی ناشی از سلاح‌های متعارف. همچنین، جنگی شدن منطقه

خلیج فارس، در کوتاهمدت به تراکم کشتی‌های حمل کالا و نفت در خلیج فارس منتهی می‌شود؛ چرا که روند حمل‌ونقل آنها با کندی همراه می‌گردد و این نیز اثری است منفی بر محیط زیست خلیج فارس. بی‌تردید وقوع اتفاقات عجیب در جنگ امری غیرقابل باور نیست. در جنگ ویتنام، آمریکا برای زمین‌گیر کردن دشمن، ابرها را بارور می‌کرد. این وقایع به شدت سازمان‌های زیست‌محیطی را به تکاپو فراخواند (Austin & Bruch, 2000, 1-2) همچنین، شواهدی دال بر آن است که در جریان حمله ۱۹۹۰ عراق به کویت، عراق به منظور به تسلیم درآوردن حریف، شش الی ۱۱ میلیون بشکه نفت را مستقیماً در خلیج فارس روانه ساخت تا کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن کویت و در نتیجه دسترسی نیروهای مقابل خود به آب بهداشتی را مسدود سازد. (Austin & Bruch, 2000, 3) در صورت وقوع این اتفاقات در خلیج فارس، به علت سیالیت بالای آب، سرعت انتشار تخریب و تسری آلودگی افزایش خواهد یافت.

اما احتمال بسته شدن تنگه هرمز در مرحله دوم وقوع جنگ قرار دارد. در این صورت، اولین نتیجه آن است که باید حجم زیادی از مواد در این تنگه قرار گیرد. با توجه به عرض و عمق این تنگه، راحت‌ترین کار غرق ساختن چندین کشتی غول‌پیکر است. این به‌خودی‌خود به شدت محیط زیست خلیج فارس را تخریب می‌کند. توقف و تراکم کشتی‌های غول‌پیکر حمل کالا و نفت در خلیج فارس دومین نتیجه است و لذا آلودگی این منطقه بیشتر می‌شود. اما سومین نتیجه وابسته است به واکنش اتحاد مخالف بسته شدن تنگه هرمز. از این رو مخالفین به‌شدت در تلاش برای باز ساختن این تنگه و نجات اقتصاد خود برمی‌آید. این امر چند نتیجه منفی پی‌درپی به همراه خواهد داشت. افزایش درگیری نظامی میان موافقین و مخالفین بسته شدن تنگه هرمز اولین اثر منفی بر این محیط زیست است، اما در شرایط جنگ زمان محدود است و لذا نمی‌توان برای باز کردن این تنگه از فناوری‌های زمان‌بر استفاده کرد. راحت‌ترین راه بمباران بسیار شدید این تنگه است تا اجسام مسدودکننده آن، که احتمالاً کشتی‌های غول‌پیکر هستند، به صورت کامل نابود شوند، به طوری که حمل‌ونقل دریایی بار دیگر محقق شود. تا اینجا وقایع دست‌به‌دست هم می‌دهند تا محیط زیست خلیج فارس را تخریب کنند. با این حال، چهارمین نتیجه به نفع محیط زیست خلیج فارس است اما در بلندمدت. کشورهای جهان دریافته‌اند که

این تنگه ممکن است بسته شود و یکبار هم طعم بسته شدن آن را چشیده‌اند، در این صورت به تلاش‌های خود برای ایجاد مسیری جایگزین می‌افزایند و بیش از قبل در جهت تحقق امکان انتقال نفت و کالا از صحرا و دریای سیاه تلاش می‌کنند. بدین ترتیب در درازمدت تراکم حمل‌ونقل در اینخلیج فارس کم می‌شود و این اثری است مثبت بر محیط زیست آن، اما به قیمتی بسیار سنگین که عبارت است از نابودی وسیع محیط زیست خلیج فارس در جنگی برای باز ساختن تنگه هرمز.

در هر حال، وقوع جنگ در خلیج پر از نفت فارس دو بار تجربه‌ای فراموش نشدنی به حامیان محیط زیست داده است. در جریان حمله عراق به کویت، بیش از ۷۰۰ چاه نفت کویت منهدم و بیش از ۶۰۰ چاه به آتش کشیده شد. دود ناشی از سوختن این حجم نفت، آسمان منطقه را کاملاً تیره ساخته و روز را به شبی آلوده مبدل کرده بود. بخار آب سطح خلیج فارس با ترکیب شدن در این دود، ابرهایی آلوده پدید آورد که باران‌های سیاه را تقدیم ترکیه، ایران و حتی هند ساخت. انهدام چاه‌های نفت نیز دریاچه‌های نفت را در بیابان‌های حاشیه خلیج فارس پدید آورده بود و این نفت سفره‌های آب زیرزمینی را آلوده ساخت (Austin & Bruch, 2000, 3). ورود حجم بالای مواد اشتعال‌زا به خلیج فارس باعث شد که آتش جنگ، دریا را به مشعل مبدل سازد و شعله‌های آتش جنگل‌های منحصربه‌فرد حرا را در بر گیرد و این جریان به افزایش آلودگی ناشی از دود بیانجامد. شن‌های خاکستری سواحل خلیج فارس نیز به لجن‌های سیاه نفتی مبدل شده بودند و آثار مخرب زیست محیطی این جنگ به سرعت به سایر نقاط تسری یافت (Austin & Bruch, 2000, 4). حال با توجه به این سه اثر عمده ناشی از تحریم، می‌توان آثار بالفعل و بالقوه ناشی از تحریم ایران بر محیط زیست خلیج فارس را در موارد زیر فهرست نمود:

۱. تخریب زیست محیطی ناشی از وجود فناوری‌های قدیمی؛ تحریم فرآیند به‌روزرسانی دستگاه‌های تاسیسات استخراج، پالایش و پتروشیمی نفت مستقر در دریا یا حاشیه خلیج فارس را به تعویق می‌اندازد و بدین ترتیب، احتمال نشت نفت و گسترش آلودگی از لوله‌های مستقر در دریا، کشتی‌های حمل نفت، پایگاه‌های استخراج، پالایش و پتروشیمی نفت افزایش می‌یابد. حتی احتمال نشت آلودگی در کارخانجات دیگر متعلق به ایران در حاشیه خلیج فارس نیز افزایش

خواهد یافت. همچنین بسیاری از تاسیسات نظامی ایران و از همه مهم‌تر نیروگاه بوشهر در حاشیه خلیج فارس قرار دارند و عدم به‌روزرسانی این تاسیسات آلودگی‌های بسیار خطرناک‌تر و پایاتری را همراه می‌آورد. بدین ترتیب آب و خاک حاشیه خلیج فارس آلوده می‌شوند. وزش باد، رطوبت دریا را با آلودگی خاک ترکیب می‌کند و بادهایی که به نقاط دوردست نیز حرکت می‌کنند، آلودگی را برای آنها به ارمغان می‌برند. به علاوه، با توجه به آنکه بیابان‌های اطراف خلیج فارس به شدت خشک هستند، وزش باد، ذرات معلق را با خود حمل می‌کند. حال آنکه خاک به نسبت هوا از قابلیت بیشتری برای حفظ آلودگی برخوردار است. این بادهای حامل غبار مرطوبی خواهند بود که آلوده هستند. رطوبت موجود در ذرات معلق نیز مدت زمان حفظ آلودگی در آنها را دوچندان می‌سازد و هیچ بعید نیست که چرنوبیل دیگری پدید آید.

۲. ورود فناوری‌های غیراستاندارد و دسته دوم به ایران (پیشتر توضیح داده شد)؛

۳. افزایش قاچاق سوخت؛

۴. افزایش ورود فاضلاب شهری به دریا؛

۵. کاهش حضور شرکت‌های استاندارد و سازمان‌های بین‌المللی حافظ محیط زیست در خلیج فارس؛ با تشدید تحریم‌ها شرکت‌های بزرگ بین‌المللی که از استانداردهای مناسب زیست‌محیطی بهره می‌برند، از همکاری با ایران محروم گشته‌اند. در عوض شرکت‌هایی جانشین آنها شده‌اند که از استانداردهای فناورانه ضعیف‌تری در هم‌سازی با محیط زیست بهره می‌برند. بدین ترتیب، خلیج فارس در حوزه قلمرو ایران، از حضور فناوری هم‌ساز با محیط زیست محروم شده است. به علاوه، با گسترش تحریم‌ها، در میان مدت حضور سازمان‌های بین‌المللی زیست‌محیطی نیز کاهش خواهد یافت. همکاری این سازمان‌ها با ایران از طرف کشور تحریم‌کننده با سوءظن نگرین و راهی برای فرار تحریم‌شونده از تحریم قلمداد می‌شود. همچنین، کشور تحریم‌شونده نیز به تدریج نسبت به سازوکارهای بین‌المللی بدبین می‌شود و نهادهای بین‌المللی را در راستای حفظ منافع امپریالیست تحریم‌کننده قلمداد می‌کند که برای جاسوسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. لذا طبیعی است که ایران نسبت به فعالیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نگاه چندان مثبتی نداشته باشد و نسبت به انتشار اطلاعات خاص واکنش

نشان دهد. در همین زمینه، رییس سازمان انرژی اتمی ایران اظهار داشته است که به علت حضور جاسوسان در میان بازرسان آژانس، گاه‌ها ایران اطلاعاتی غلط ارایه نموده است. (<http://farsnews.com/newstext.php?nn=13910631000488>) هیچ دلیلی وجود ندارد که ایران به سازمان‌های زیست محیطی نیز با این تردید نگاه نکند.

۶ افزایش حضور نظامیان در خلیج فارس؛ افزایش تحریم به چند طریق به افزایش کشتی‌های نظامی منتهی می‌شود: افزایش این کشتی‌ها به منظور افزایش بازرسی بین‌المللی سایر کشتی‌ها جهت ممانعت از ورود و خروج کالاهای تحریم شده، مثل ادوات نظامی، افزایش احساس تهدید کشور تحریم‌شونده و لذا توسعه نیروی دریایی و ادوات جنگی دریایی مثل افزایش کشتی‌های نظامی، مانورهای نظامی در دریا، آزمایش سلاح‌ها و موشک‌های متناسب برای دریا.

کشور تحریم‌شونده حتی ممکن است جهت بازدارندگی، توسعه سلاح‌های نامتعارف را نیز در برنامه خود جای داده باشد. بدین ترتیب سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف و آزمایش آنها در دریا افزایش می‌یابد. حال این سلاح‌ها چه ساخت کشور تحریم‌شده باشند و چه ساخت کشورهای مخالف تحریم، معمولاً از استانداردهای زیست‌محیطی پایین‌تری برخوردار هستند و این نیز احتمال تخریب محیط زیست را افزایش می‌دهد. در صورتی که کشور تحریم‌شده در مقابل کشورهای قرار گیرد که از سلاح‌های نامتعارف بهره می‌برند، گرایش او به سلاح‌های نامتعارف بیشتر می‌شود. بنابراین، از آنجا که ایران در مقابل اسرائیل و آمریکایی قرار دارد که از سلاح‌های نامتعارف هسته‌ای، نیمه‌هسته‌ای و شیمیایی و میکروبی بهره می‌برند، طبیعی است که در صورت لزوم و جهت بازدارندگی به توسعه این سلاح‌ها اقدام ورزد. (Cordesman & l-Rodhan, 2006, 327)

۷. افزایش رقابت تسلیحاتی از ناحیه سایر کشورهای همسایه دریا و ایجاد معمای امنیت؛ در صورتی که علت تحریم، ممانعت از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و غیرمتعارف باشد، طبیعی است که رقابت تسلیحاتی و معمای امنیت با شدت و خطر بیشتری رخ دهد و به عرصه‌های غیرمتعارف نیز کشیده شود و این موضوع نه‌تنها آلودگی دریا و اطراف آن را بیشتر می‌سازد، بلکه در صورت وقوع درگیری، احتمال نابودی قطعی محیط زیست آن را به شدت افزایش می‌دهد.

۸. واکنش نظامی تحریم‌کننده به افزایش قدرت نظامی تحریم‌شده با افزایش حضور کشتی‌ها و ناوهای جنگی و هواپیما؛ تحریم ممکن است به دلایل اقتصادی یا حقوق بشری باشد. به عنوان مثال، آمریکا آفریقای جنوبی را به دلیل نقض کنوانسیون‌های حقوق بشر تحریم می‌کند. حال اگر کشور تحریم‌شونده چنین برداشت کند که تحریم قدم اولیه‌ای است در راستای تضعیف و اقدام نظامی علیه آن، انتخاب عقلایی کشور تحریم‌شونده را به سمت افزایش قوای نظامی خود سوق می‌دهد. حتی اگر کشور تحریم‌کننده در برنامه خود، تهاجم نظامی را قرار نداده باشد، در پاسخ به اقدام کشور تحریم‌شونده به افزایش قدرت نظامی خود، نیروی نظامی را در اطراف کشور تحریم‌شونده افزایش می‌دهد. اما اگر علت تحریم، کاهش توان نظامی کشور تحریم‌شونده باشد، از همان آغاز کشور تحریم‌کننده اقدام نظامی را در برنامه خود جای می‌دهد و لذا خود را برای واکنش نظامی آماده می‌سازد. در مورد ایران از همان ابتدا حالت دوم حاکم بوده است؛ چرا که از نظر غرب ایران در راستای صدور انقلاب نیازمند استفاده از نیروی نظامی است. با این حال، با انتشار فعالیت‌های هسته‌ای ایران و افزایش حساسیت بر آن، سناریوی دوم تقویت شده است. بر این مبنا، آمریکا حضور نظامی خود در خلیج فارس را تقویت نموده است و سناریوی دوم با تاثیر منفی بیشتری بر محیط زیست خلیج فارس همراه خواهد بود.

۹. افزایش احتمال بسته شدن تنگه هرمز (پیشتر توضیح داده شد).

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا سعی شد نشان داده شود تحریم حتی اگر هوشمند باشد، با تاثیرات منفی همراه خواهد بود. در مرحله بعد تحریم‌ها را به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمودیم. تحریم مستقیم عبارت است از موضوعاتی که مستقیماً در قانون تحریم ذکر شده‌اند. بنابراین کلیه تحریم‌های هوشمند نیز در این فهرست جای می‌گیرند. اما در تحریم غیرمستقیم، موضوعاتی تحت پوشش قرار می‌گیرند که در تحریم ذکر نشده‌اند مثل محیط زیست و حقوق بشر. کشور تحریم‌کننده گاه برای افزایش فشار بر تحریم‌شونده، بر موضوعاتی اساسی دست می‌گذارد و لذا دانسته تحریم‌های غیرمستقیم را تحمیل می‌کند. به عنوان مثال، تحریم بانکی عراق با تخریب

اقتصاد آن بحران‌های دارو و غذا را نیز به دنبال آورد. اما شمولیت تحریم به موضوعات دیگر گاه مخالف هدف تحریم‌کننده است و لذا تحریم‌کننده از این عواقب منفی استقبال نمی‌کند. به‌عنوان مثال، آمریکا خواهان آن نیست که تحریم با از بین بردن طبقه متوسط، گذار به دموکراسی مورد نظر او را تضعیف کند. به علاوه، تحریم‌های غیرمستقیم به لحاظ دامنه تسری به دو دسته تقسیم می‌شوند: دامنه تسری برخی در مرزهای تحریم‌شونده باقی می‌ماند، مثل تحریم غیرمستقیم دارویی، ولی دامنه تسری برخی دیگر، فرامرزی است و از همین روست که تحریم غیرمستقیم محیط زیست می‌تواند با گذار از مرزهای یک کشور، فاجعه‌ای جهانی را پدید آورد. این مقاله به دنبال آن بود تا نشان دهد که چگونه تحریم ایران می‌تواند فاجعه‌ای زیست‌محیطی را در خلیج فارس پدید آورد و چگونه این فاجعه می‌تواند ابعادی جهانی به خود گیرد و آثار این تحریم چیست. این مقاله نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی و بانکی ایران توان ایران برای حفظ محیط زیست خلیج فارس را کاهش می‌دهد و همچنین می‌تواند با افزایش احساس تهدید، منطقه را به سمت رقابت تسلیحاتی سوق دهد. به علاوه، امنیتی شدن خلیج فارس، بسته شدن تنگه هرمز و وقوع جنگ احتمالاتی است که محیط زیست خلیج فارس را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این مقاله نشان می‌دهد که تحریم‌های مستقیم بانکی و اقتصادی ایران، تحریم غیرمستقیم زیست‌محیطی را پدید خواهد آورد و ادامه این روند، آینده‌ای فاجعه‌آمیز را برای اکوسیستم منحصربه‌فرد و پر از نفت خلیج فارس به همراه خواهد آورد و دود ناشی از این فاجعه نه‌تنها ایران و کشورهای ساحلی خلیج فارس، بلکه به سرعت کل محیط زیست بین‌المللی را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

جدول شماره یک

نام	هزینه نظامی به دلار آمریکا	رتبه به لحاظ هزینه در جهان	نسبت هزینه به تولید ناخالص ملی	رتبه به لحاظ نسبت هزینه به تولید ناخالص ملی در جهان
عربستان	۴۶۲۱۹۰۰۰۰۰	۷	٪ ۱۰/۱	۲
امارات متحده عربی	۱۶۰۶۲۰۰۰۰۰	۱۶	٪ ۶/۹	۴
ایران	۷۴۶۳۰۰۰۰۰	۲۵	٪ ۱/۸	۶۵
عراق	۴۶۶۳۰۰۰۰۰	۳۵	٪ ۵/۴	۸
کویت	۴۴۱۱۰۰۰۰۰	۳۹	٪ ۴/۴	۱۱
عمان	۴۰۴۷۰۰۰۰۰	۴۰	٪ ۹/۷	۳

منبع: مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح در استکهلم

منابع و پی‌نوشت‌ها:

۱. اسماعیلی، عبدالله (۱۳۸۹)، «لزوم وجود استراتژی زیست‌محیطی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی»، *مجله اکتشاف و تولید*، شماره ۷۱.
۲. خاجوی، علی (۱۳۹۱)، «تکاپوی عربستان و غرب برای کاهش اهمیت تنگه هرمز از مبادلات جهانی نفت خام»، *پیام نفت*، ۱۵ مهر: <http://www.payamenaft.com/view-11058>
۳. *خبرگزاری فارس* (۱۳۹۱/۶/۳۱)، «دستگاه‌های جاسوسی غرب را با دادن اطلاعات غلط گمراه کردیم»، <http://farsnews.com/newstext.php?nn=13910631000488>
۴. *خبرگزاری مهر* (۱۳۹۱/۱۰/۲۵)، «قاچاق سوخت به کشورهای حاشیه خلیج فارس/ تغییر مسیر قاچاقچیان»، <http://www.mehrnews.com/detail/News/1790557>
۵. *روزنامه اعتماد ملی* (۱۳۸۷/۴/۱۰)، «خلیج فارس بار آلودگی ترانزیت ۹۰ درصد نفت کش‌های دنیا را به دوش می‌کشد»، شماره ۶۸۱، جامعه.
۶. کریمی، مجتبی (۱۳۹۱)، «بستن یا نبستن هرمز؟»، *ماهنامه گستره انرژی*، شماره ۶۴، مرداد.
۷. نجفی اسفاد، مرتضی و عسکر جلالیان (۱۳۹۱)، «ضرورت تاسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۳.
8. Alam, Aftab (2011), "Sanctioning Iran: Limits of Coercive Diplomacy," *India Quarterly: A Journal of International Affairs*, March; vol. 67, no.1.
9. Arnone, Anthony (2003), *Iraq Under Siege: The Deadly Impact of Sanctions and War*, London: Pluto Press.
10. Austin, Jay E. & Bruch, Carl E. (2000), *The Environmental Consequences of War: Legal, Economic, and Scientific Perspectives*, UK: Cambridge University Press.
11. Bilderbeek, Simone (1992), *Biodiversity and International Law: The Effectiveness of International Law*, Amsterdam, Oxford, Washington & Tokyo: IOS Press.
12. Borger, Julian & Dehghan, Saeed Kamali (2013), "Iran Unable to Get Life-saving Drugs due to International Sanctions," *The Guardian*, Sunday 13 January, 18.20 GMT: <http://www.guardian.co.uk/world/2013/jan/13/iran-lifesaving-drugs-international-sanctions>
13. Bulletin of the Atomic Scientists (1993), November, Vol. 49, No. 9.
14. Cordesman, Anthony H. & Al-Rodhan, Khalid R. (2006), *Iran's Weapons of Mass*

Destruction: The Real And Potential Threat, Washington D.C: Center for Strategic & Intl Studies .

15. Cortright, David & López, George A. (2002), *Smart Sanctions: Targeting Economic Statecraft*, USA: RAWMAN & Littlefield publishers, inc.

16. Escribà-Folch, Abel (2010), “Economic sanctions and the duration of civil conflicts”, *Journal of Peace Research*, March 2010; vol. 47, no. 2.

17. Fayazmanesh, Sasan (2003), “The Politics of the U.S. Economic Sanctions Against Iran”, *Review of Radical Political Economics*, September; vol. 35, no. 3.

18. Glassman, Ronald M. (1995), *The Middle Class and Democracy in Socio-Historical Perspective*, The Netherlands: E. J. Brill.

19. Great Britain: Parliament: House of Lords: Select Committee on Economic Affairs, *The Impact of Economic Sanctions: 2nd Report of Session 2006-07*, Vol. 1: Report.

20. Jewels of the UAE, Fish: <http://www.arkive.org/uae/en/fish>

21. Lebovic, James H. (2007), *Deterring International Terrorism And Rogue States: US National Security Policy after 9/11*, USA: Routledge.

22. Messari, Nizar (2002), “The State and Dilemmas of Security: The Middle East and the Balkans”, *Security Dialogue*, December; vol. 33, no. 4.

23. Mojtahed-Zadeh, Pirouz (2003), *Security and Territoriality in the Persian Gulf: A Maritime Political Geography*, Second Edition, London: RoutledgeCurzon.

24. Özcan, Sedat; Laçiner, Mehmet & Bal (2010), *USAK Yearbook of International Politics and Law 2010*, Vol. 3, USAK: International Study Research Organization.

25. Razavi, Ahmad (1997), *Continental Shelf Delimitation and Related Maritime Issues in the Persian Gulf*, Netherland: Kluwer Law International .

26. Razavi, Hossein (2009), “Energy and Climate Change: India’s Opportunity to Unleash a Technology Revolution”, *Global Journal of Emerging Market Economies*, September; vol. 1, no. 3.

27. Stockholm International Peace Research Institute: <http://milexdata.sipri.org/>

28. U.S. International Trade Commission, Overview and Analysis of the Economic

Impact of U.S. Sanctions with Respect to India and Pakistan, Investigation No. 332-402, September 1999, Washington D.C.

29. Zinn, Howard & Arno, Anthony (2004), *Voices of a People's History of the United States*, Second Edition, New York: Seven Stories Press.